

در آمدی بر مواجهه مسیحیان ایران با فاتحان مسلمان در سده نخست هجری

محسن معصومی^۱، اعظم فولادی پناه^۲

(دریافت مقاله: ۹۷/۰۴/۱۹ - پذیرش نهایی: ۹۷/۱۱/۲۹)

چکیده

حمله عربها به ایران، واکنش‌های متفاوت گروه‌های قومی و دینی ساکن در قلمرو ساسانی را در پی داشت. یکی از اقلیت‌های مهم در ایران، مقارن با ورود عربها، مسیحیان بودند. این گروه نیز همانند پیروان سایر ادیان و نحله‌های رایج در ایران، تحت تأثیر فتوحات مسلمانان قرار گرفتند و واکنش‌هایی نسبت به آن داشتند. واکنش مسیحیان در برابر فتوحات، بسته به زمان و مکان فتوحات به دو شکل، تعامل و تقابل، ظهور و بروز کرد. مسیحیان در نواحی غربی ایران و کوره عراق به واسطه اشتراکات قومی و زبانی با فاتحان و رقابت با مسیحیان مناطق داخلی ایران، بیشتر به تعامل با فاتحان عرب روی آوردند. اما مسیحیان ساکن در مناطق شرقی به سبب قرار داشتن در اقلیت و نیز افتراق قومی و زبانی با فاتحان، به تقابل با آنان پرداختند. این مقاله واکنش تعاملی و تقابلی مسیحیان با عربها و علل و اسباب آن را در سده نخست هجری قمری بررسی کرده است.

کلید واژه: مسیحیان ایران، حکومت ساسانی، فاتحان مسلمان، فتوحات

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)؛

Email: mmassumi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران؛
Email: Fooladi.panah@ut.ac.ir

مقدمه

در پژوهش‌های ایران شناسان و شرقشناسان درباره فتوحات و عکس‌العمل ایرانیان نسبت به آن، بیشتر به واکنش زرتشتیان توجه شده و دیگر گروه‌های دینی چون مسیحیان، یهودیان و مزدکیان، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از دلایل این بی‌توجهی، اطلاعات اندک منابع درباره گروه‌های دینی ساکن در ایران، در دوره فتوحات است. با این حال برخی از پژوهشگران به صورت پراکنده و اندک، به بررسی اوضاع مسیحیان ایران مقارن ورود عربها پرداخته‌اند. مقاله "جایگاه اجتماعی قبایل عرب مسیحی در جریان فتوحات ایران در عراق" از محمدعلی چلونگر و کتاب‌های مسیحیان در ایران و مسیحیت در عراق اثر رابین واترفیلد و سها رسام از این جمله است. نظر به اهمیت مسیحیان در ایران به‌عنوان یکی از اقلیت‌های تأثیرگذار در ایران مقارن فتوحات، ضروری است واکنش‌های آنها نسبت به حضور فاتحان عرب مورد توجه و بررسی قرار گیرد. این پژوهش از جمله تحقیقات اکتشافی تاریخی است که به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

مسیحیت در ایران عصر ساسانی

مسیحیت در دوران اشکانیان (۱۵۰ ق.م - ۲۲۶م) توسط مبلغان وابسته به کلیساهای ادسا، اربل و میافارقین که از جمله مراکز مهم مسیحیان به شمار می‌رفتند، در مناطق مختلف ایران از جمله بین‌النهرین، گیلان و گرگان رواج یافت (گیرشمن، ۱۰۴؛ Waterfield, 16-17; Van Gorder, 24-25). پس از انقراض سلسله اشکانی و تأسیس حکومت ساسانی در ۲۲۶ م، آیین زرتشتی در سراسر امپراتوری ساسانی به رسمیت شناخته شد و موبدان زرتشتی اهمیتی خاص یافتند. از این رو موقعیت مسیحیان در ایران^۱ دچار تزلزل شد. به‌ویژه پس از شروع جنگ‌های مداوم میان ایران و امپراتوری بیزانس، در زمان سلطنت شاپور دوم (۳۷۹-۳۱۰ م) وضع مسیحیان بدتر شد. اگر چه در این مدت حضور اسیران رومی در ایران، تا حدودی کلیسای ایران را تقویت کرد و موجب پیشرفت مسیحیت در ایران گردید، اما با رسمیت یافتن مسیحیت در امپراتوری روم (۳۱۲ م) سخت‌گیری بر مسیحیان ایران بیشتر شد. مسیحیان ایران در زمان جنگ

۱. مسیحیت در قرون سوم و چهارم میلادی در مناطق بین‌النهرین، خوزستان و تا اندازه‌ای در دیگر ایالات ایران رواج یافت (پیگولوسکا، ن. و، ۸۶؛ کریستین سن، ۳۶۳-۳۶۴).

میان ایران و روم همواره مورد سوء ظن قرار می‌گرفتند و مالیات‌های سنگینی بر آنان وضع می‌شد و برخی از آنان نیز کشته می‌شدند (میلر، ۲۸۱-۲۷۰؛ پیگولوسکایا و یاکوبوسکی، ۸۶؛ یانگ، ۱۰۴؛ کریستین سن، ۳۶۶-۳۶۵).

پس از مرگ شاپور دوم (۳۷۹ م) و پایان یافتن جنگ میان ایران و روم و به سلطنت رسیدن یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۰ م)، در ۴۰۹ م فرمان آزادی مسیحیان ایران صادر شد (کریستین سن، ۳۶۷-۳۶۹؛ نفیسی، ۷۷-۸۱؛ Van Gorder, 32). بدین ترتیب فعالیت‌های مبلغان مسیحی در ایران گسترش یافت و فعالیت‌های توسعه‌طلبانه برای ترویج مسیحیت، به‌ناچار موجب رویارویی زرتشتیان و پادشاهان ساسانی با مسیحیان شد، چنانکه در دوره سلطنت بهرام پنجم (۴۲۲-۴۲۰ م) به کشتار مسیحیان انجامید (میلر، ۲۹۳-۲۹۰).

مدرسه ادسا در این دوره، کانون ارتباطی میان کلیساهای موجود در ایران با کلیساهای امپراتوری روم بود و بسیاری از اسقف‌های ایران در این مدرسه تحصیل کردند و تحت تأثیر تعلیمات و عقاید نسطوریوس، مدرس این مدرسه به انفعال میان جنبه بشری و الهی عیسی (ع) قائل شدند (میلر، ۲۹۸-۳۰۰). به‌سبب گسترش این عقاید توسط نسطوریوس، امپراتوری روم در ۴۳۱ م، شورایی تشکیل داد که براساس نظر این شورا، نسطوریوس از منصب روحانی خود عزل گردید. اما بسیاری از مردم سوریه با این رأی مخالفت کردند در نتیجه از کلیسای غرب جدا شدند و نسطوریان نام گرفتند (اولیری، ۸۵-۸۴). در ۴۲۴ م شورایی با حضور اسقفان نواحی مرو، هرات، اصفهان و عمان^۱ تشکیل شد و پس از آن کلیسای ایران از نظارت کلیسای روم خارج شد. به‌رغم استقلال کلیسای ایران، تغییر چندانی در وضع مسیحیان ایران ایجاد نشد و مسیحیان همچنان در دوره حکومت یزدگرد دوم نیز مورد آزار قرار گرفتند (نفیسی، ۱۰۵-۱۰۳؛ Waterfield, 22).

پس از جدایی نسطوریان از کلیسای غرب، تعداد زیادی از مسیحیان ادسا در ۴۵۷ م به ایران آمدند و کوشش‌های اسقفان ایران برای کسب استقلال کامل از کلیسای غرب و حمایت‌های پادشاه ایران فیروز اول، آیین نسطوری در رشد و گسترش بیشتری یافت. با تعطیل شدن مدرسه ادسا در ۴۸۹ م توسط امپراتوری روم، مرکز تعلیم آیین نسطوری

۱. کشور عمان کنونی یا مزون (Mazūn) قدیم، یکی از مراکز حضور مسیحیان نسطوری، در دوران پیش از ظهور اسلام بود (Trimingham, John Spencer, Christianity among the Arabs in Pre-Islamic Times, Beirut, Librairie du Liban, 1979, p.282).

به نصیبین در قلمرو امپراتوری ساسانی انتقال یافت، بنابراین ایران در اواخر قرن پنجم میلادی یکی از مهم‌ترین مراکز تبلیغ مسیحیت نسطوری به شمار می‌رفت (میلر، ۳۰۰-۲۹۸؛ اولیری، ۹۳-۹۰؛ Van Gorder, 33-34). با پیدایش فرقه نسطوری و کناره‌گیری نسطوریان از کلیسای غرب، بدگمانی پادشاهان ساسانی نسبت به مسیحیان ایران تا حدی برطرف شد و سخت‌گیری‌ها نسبت به مسیحیان کاهش یافت (آذری، ۳۰). در این دوره بود که دو مذهب مسیحی نسطوری و مونوفیزیت (یعقوبی) آشکارا و رسماً در ایران به فعالیت و تبلیغ پرداختند (پیگولوسکایا و یاکوبوسکی، ۸۶؛ بویل، ۶۹۹).

جایگاه اجتماعی مسیحیان ایران در اواخر دوره ساسانی

شماری از مسیحیان ایران در دوره ساسانی، از اواخر قرن پنجم میلادی تا زمان ورود عربها به ایران، موقعیت و جایگاه ویژه‌ای داشتند. در عهد پادشاهی خسرو اول، روحانیان عالی مقام مسیحی، به دربار راه یافتند و توانستند مستقیماً خواسته‌های خود را به عرض شاه برسانند. برخی از مسیحیان، به عنوان فرستاده پادشاه ساسانی، در میان گروه‌هایی که برای مذاکره به دربار امپراتور روم، گسیل می‌شدند، حضور داشتند. در دوره حکومت خسرو دوم روحانیان مسیحی دارای امتیازاتی بودند، به گونه‌ای که گاه موجب حسادت موبدان زرتشتی می‌شد. این افراد، اموال منقول و غیر منقول فراوانی داشتند. مردمان عادی مسیحی نیز بیشتر پیشه‌ور و بازرگان بودند و در اقتصاد عمومی ایران، سهم زیادی داشتند. به‌نوشته پیگولوسکایا و یاکوبوسکی (۱۲۹-۱۳۰) اکثریت جامعه ایران به‌واسطه زمینه‌سازی‌های ادیانی چون مسیحیت و مانویت، دین اسلام را پذیرفت. در اواخر دوره ساسانی، مسیحیان یعقوبی، نیرو گرفتند و در میان پیروان نسطوریوس رخنه کردند. در این زمان، مسیحیت چنان در ایران ریشه دوانده بود که برخی معتقدند اگر اسلام وارد ایران نشده بود، مسیحیت جایگزین زرتشت‌گری می‌شد (فرای، ۳۸۰).

مواجهه مسیحیان ایران با فاتحان عرب

۱. واکنش مسیحیان نواحی غربی قلمرو ساسانی به فتوحات

یکی از مهم‌ترین نواحی مسیحی‌نشین که بیشتر ساکنان آن عرب بودند، در قلمرو غربی امپراتوری ساسانی (کستک خورباران، کور العراق) واقع شده بود. مسیحیت در عراق به‌ویژه در شهر حیره توسط سریانیان وارد شد و گسترش یافت. قبیله تنوخ که هسته

اصلی قبایل لخمی بود، در گسترش مسیحیت نسطوری سهم بسزایی داشت (پیگولوسکایا، ۶۲۴، ۶۲۹؛ جوادعلی، ۵۹۶/۶-۵۹۵؛ چلونگر و سلیمانی، ۴۴؛ ۴۳، ۴۴). (Rassam, 43). مسیحیت در میان پادشاهان لخمی و همسران آنان و بخش قابل توجهی از قبایل لخمی رواج یافته بود، اما مردم بومی حیره همچنان بت پرست بودند (پیگولوسکایا، ۶۲۸-۶۲۷). خالد بن ولید به همراه سپاهیان مسلمان، در ۱۲ هجری، وارد مناطق مسیحی نشین نواحی غربی قلمرو ساسانی شد. این مسیحیان، در سپاه ساسانیان علیه عربها وارد جنگ شدند. آنان که اغلب از مسیحیان قبایل بکر بن وائل و بنی عجل بودند، در جنگهای آلیس و ولجه در ۱۲ ق به یاری ایرانیان شتافتند و بسیاری از آنان به توسط سپاه خالد کشته شدند (طبری، ۳۵۸/۳-۳۵۵؛ ابن اثیر، ۳۸۹/۲-۳۸۸؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ۲۴۸/۱). بنابراین بخشی از قبایل مسیحی عراق که بیشتر در سایه حمایت‌های امپراتوری ساسانی بودند، به تقابل با فاتحان مسلمان پرداختند (Donner, 183-182).

به نظر می‌رسد مسیحیان عرب مناطق غرب ایران، پس از مشاهده ضعف و ناکامی سپاه ساسانی در برابر فاتحان مسلمان و نیز عدم توانایی جهت مقاومت در برابر حملات آنان، به تعامل با مسلمانان روی آوردند. برخی از آنان بر این امید و باور بودند که عربهای مسلمان، می‌توانند جایگزین مناسبی برای پادشاهان ساسانی باشند. از طرفی مسیحیان حوزه بین‌النهرین، از قوم سامی و همواره با ایرانیان مناطق جبال در رقابت و مخالفت بودند، ای این رو پنداشتند که مورد عنایت و توجه فاتحان مسلمان عرب قرار خواهند گرفت (Waterfield, 33; Arnold, 208-207). روایتی که از دیدار یکی از کشیشان مسیحی با پیامبر اسلام (ص) حکایت دارد می‌تواند شاهدهی بر امیدواری مسیحیان به جلب یاری عربها باشد. براساس این روایت، سر اسقف ایران کمی پیش از رحلت پیامبر (ص) در ۶۳۲ م ۱۱ ق کشیش گابریل اهل میسان^۱ را نزد وی فرستاد تا از او بخواهد از مسیحیان ساکن در جزیره العرب حمایت کند.^۲ پیامبر نیز با صدور فرمانی

1. Bishop Gabriel of Maysan

۲. در روایتی به عقد پیمان نامه میان پیامبر (ص) و فرستاده مسیحیان اشاره شده است. در منابع غربی و مسیحی نیز به این روایت، استناد شده است، هر چند در منابع اسلامی هیچ خبری از این روایت نیست. با این حال نسخه‌ای از این پیمان نامه در سده‌های متمادی در مصر مورد توجه حکام مسلمان از جمله، فاطمیان، ایوبیان، ممالیک و عثمانی‌ها بود و یکی از عوامل محفوظ ماندن صومعه سنت کاترین از تخریب مسلمانان شد (Parker, 107, 292; Ludolph von Suchem, 82-86).

با این درخواست موافقت کرد. این فرمان با عنوان «آشتی نامه پیامبر»^۱ (نسخه رونوشت این نامه در صومعه سنت کاترین^۲ در استان سینا موجود است.)^۳ شناخته می‌شود (Waterfield, 33). خلفای راشدین نیز احترام خاصی برای روحانیان مسیحی قائل بودند، به‌نوشته ابن اعثم (۳۲۷-۳۲۵/۲) خلیفه دوم در روزهای پایانی عمرش، جاثلیق مسیحیان را فراخواند و با وی در خصوص حقانیت پیامبر(ص) و یارانش که جانشین او خواهند شد، گفتگو کرد.

مسیحیان منطقه حیره و سایر مناطق مسیحی‌نشین عراق، دریافته بودند که هم‌زبانی با عربها می‌تواند، موجب عنایت خاص فاتحان نسبت به آنان شود. از این‌رو، در

1. Ashtiname of Muhammad: The Covenant of the Prophet Muhammad with the Monks of Mount Sinai

۲. صومعه سنت کاترین (دیر طور سینا: Dayr Ṭūr Sīnā) در کوه سینا (Monastery of St Catherine on Mt Sinai) در جنوب شبه جزیره سینا و پای کوه سینا (طور) در استان سینای جنوبی در مصر واقع است. گفته می‌شود دیر مذکور در محلی که خداوند خود را در قالب بوته‌ای سوزان (Burning Bush) برای موسی (ع) ظاهر کرد، قرار گرفته است. این صومعه زیر نظر کلیسای مستقل سینا و جزء کلیسای ارتدوکس شرقی است. تاریخ ساخت این صومعه به سالهای ۵۴۸ تا ۵۶۵ م. باز می‌گردد و ظاهراً به دستور جوستینین (یوستی نیانوس اول)؛ امپراتور بیزانس ساخته شد. سنت کاترین یکی از قدیمی‌ترین صومعه‌های فعال جهان است. در این صومعه کتاب‌ها و اسناد و نسخ خطی منحصر به فرد و قدیمی نگهداری می‌شود. از جمله کتب معروف که در این صومعه قرار دارد، کتابی با عنوان "The Syriac Sinaiticus" است. این دیر در ۲۰۰۲ م. در میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. با این‌که صومعه سنت کاترین در سینا به کلیسای ارتدوکس شرق اختصاص دارد، اما برای پیروان ادیان یهود، مسیح و اسلام مقدس و مورد احترام بوده و در سده‌های متمادی دچار آسیب نشده است (حمیدی، ۲۹۷؛ عیسی، ۱۰۵-۱۲۴؛ McGuckin, 161; Meyendorff, 46-47, 361; Noble, 40; Porter, 24-25, 33, 40).

۳. به‌نظر می‌رسد نامه مذکور، ساختگی باشد. محمد حمید الله در کتاب الوثائق السياسية، متن کامل این سند را ذیل «عهد النبی صلی الله علیه و آله و سلم للنصاری» آورده و به نسخ موجود آن اشاره کرده است. این موضع که آیا این سند بازتابی از نیت و مقاصد حکام بعدی است یا سندی است که توسط مسیحیان در سده‌های نخستین اسلامی به‌منظور حفاظت از خود، در حوزه حکومت اسلامی تهیه شده است، همواره مورد بحث بوده است. اما اینکه صومعه سنت کاترین تا امروز به صورت دست نخورده باقی مانده است، شاهدی است بر حمایت حکام مختلف مسلمان از صومعه مذکور. با صرف نظر از نیت موجود در سند یا میزان اعتبار آن، این سند باقی مانده، از جهات بسیاری جالب توجه است. تسخه موجود این سند احتمالاً رونوشت است و متعلق به سده ۱۶ میلادی است (حمید الله، ۵۶۶-۵۶۱). (Atiya, 578-586)

فتح حیره، اهالی شهر، ابتدا مقاومت کردند اما پس از اندکی، کشیشان و راهبان درخواست صلح کردند و در این میان یکی از سران آنها به نام عبدالمسیح بن بقیله غسانی^۱ با خالد بن ولید مذاکره کرد و پیمان صلح میان آنها، بنا بر شروطی^۲ منعقد گردید (بلاذری، *فتوح البلدان*، ۲۴۱-۲۴۰؛ ابن‌اعثم، ۷۸/۱-۷۶؛ مسعودی، ۱۱۸/۱؛ طبری، ۳۶۴/۳-۳۶۰؛ یعقوبی، *تاریخ*، ۱۳۱/۲). همچنین صلوبا بن نسطونا بن بصهری، سالار قس‌الناطف به پیروی از اهالی حیره، داوطلبانه با خالد بن ولید درباره مناطق باقی و بسما صلح کرد (طبری، ۳۶۸/۳-۳۶۷؛ ابن‌سعد، ۲۷۹/۷؛ خطیب بغدادی، ۴۲/۱).

فاتحان مسلمان رفتاری متفاوت با یهودیان و مسیحیان، به ویژه سامی‌ها داشتند چرا که آنها نیز اهل کتاب شمرده می‌شدند (Waterfield, 33; Arnold, 207). به نظر می‌رسد یکی از دلایل توجه خاص مسلمانان به مسیحیان در مقابل زرتشتیان، پیروزی رومیان اهل کتاب در مقابل ایرانیان زرتشتی (مشرک) بود که در آیات نخست سوره روم به مسلمانان بشارت داده شد و این آیات پاسخی بر مشرکان مکه بود که گمان می‌کردند مشرکان همواره بر اهل کتاب پیروزند، از این‌رو نگرش مثبت به مسیحیان به دوران حضور پیامبر(ص) در مکه باز می‌گردد (طباطبایی، ۲۳۲/۱۶-۲۳۴، ۲۴۴). همچنین مسیحیان، حمله عربها را عذاب الهی برای زرتشتیان برای زرتشتیان به سبب ریختن خون مسیحیان بی‌گناه می‌دانستند و می‌کوشیدند با عربها وارد جنگ نشوند، در نتیجه عربها نیز رفتار مسالمت‌آمیزی با مسیحیان داشتند (میلر، ۳۱۹). رفتار فاتحان مسلمان با مسیحیان مناطق غربی ایران، موجب شد که شماری از مسیحیان دوشادوش فاتحان در برخی از حملات به مناطق ایران (نبردهای جسر و بویب) شرکت کنند. چنانکه در

۱. عبدالمسیح بن عمرو بن قیس بن حیان بن بقیله غسانی از جمله عالمان، شعرا و سران قبیله غسان بود. او از سازندگان قصر حیره و از معمرین منطقه حیره بود. به سبب اینکه عبایی سبز بر تن می‌کرد بقیله لقب یافت. عبدالمسیح مدت زیادی در دوره جاهلیت زندگی کرد و اسلام را نیز درک کرد اما بر دین مسیحیت باقی ماند. وی پسر خواهر سطح کاهن غسانی بود و از سوی خسرو پرویز نزد سطح کاهن رفت و درباره رؤیای موبدان، لرزش ایوان کسری و خشک شدن دریاچه ساوه با سطح سخن گفت. وی از جمله سران حیره بود که با خالد بن ولید صلح کرد (مسعودی، ۳۰۷/۱، ۱۱۸؛ شریف مرتضی، ۲۶۰/۱؛ عوتبی ۵۲۹/۲؛ ابن‌حمدون، ۳۹/۶).

۲. از جمله شروط این صلح نامه، پرداخت سالیانه هشتاد یا صد هزار درهم به مرکز خلافت، باقی ماندن بر دین و عدم ویرانی معابد و قصور و همکاری با فاتحان مسلمان در جهت رساندن اخبار از ایرانیان بود (طبری، ۳۶۴/۳-۳۶۶).

جنگ جسر، در ۱۳ هجری مسلمانان برای رویارویی با سپاه ایران، با کمک اهالی بانقیا که اغلب مسیحی بودند پلی ساختند و حتی برخی از مسیحیان چون ابو زبید طائی^۱ در این جنگ شرکت کردند (بلاذری، فتوح...، ۲۴۸). در جنگ بویب نیز که به سرکردگی جریر بن عبدالله و حمایت طایفه بجیله آغاز شد، تعدادی از مسیحیان بنی تغلب در کنار مسلمانان جنگیدند و حتی به نوشته طبری (۴۶۴/۳، ۴۶۶) مهران فرمانده سپاه ساسانی به دست جوانی نصرانی از قبیله بنی تغلب کشته شد. بنابراین شباهت‌های زبانی و قومی از جمله مهم‌ترین عوامل همکاری و تعامل مسیحیان با فاتحان عرب بود.

۲. واکنش مسیحیان نواحی شرقی قلمرو ساسانی به فتوحات

مسیحیان نواحی داخلی ایران، در بخش‌های مختلف پراکنده بودند، اما تمرکز آنها بیشتر در مناطقی چون خراسان، سیستان و فارس بود. رویکرد و سیاست‌های مسیحیان در مناطق نامبرده با واکنش مسیحیان در نواحی بین‌النهرین و عراق متفاوت بود.

۲-۱. واکنش مسیحیان خراسان و سیستان

مسیحیت در نواحی شرقی ایران، اغلب به‌توسط کوچ نشینان مسیحی که از نواحی جنگ زده غرب (امپراتوری روم) به شرق کوچانده شدند، رواج یافت. پس از حملات خسرو پرویز به ادسا در ۶۰۹ م، مسیحیان یعقوبی این شهر به سیستان و خراسان کوچانده شدند. این یعقوبیان از مافریان^۲ یا مطران تکریت به نام ماروناس خواستند که

۱. حرمه بن منذر معدی کرب؛ نسب وی به یعرب بن قحطان می‌رسد، کنیه‌اش ابوزبید و معروف به طائی است. او صد و پنجاه سال بزیست و از جمله شاعران مخضرم است که تا پایان عمر مسیحی بود. ابوزبید با پادشاهان و به‌ویژه با پادشاهان عجم، دیدار کرده بود و از این‌رو به تاریخ آنان آگاه بود. او بیشتر در میان خویشان مادری خود، بنی تغلب می‌زیست. ابو زبید از یاران و همراهان ولید بن عقبه بود و آنگاه که ولید از جانب عثمان والی کوفه بود، در مدح او شعر بسیار گفت. گفته شده است که او در کلیسا دچار سگته شد و از دنیا رفت و در همان مکان به خاک سپرده شد (یاقوت حموی، معجم‌الادباء، ۱۱۶۸/۳-۱۱۶۷).

۲. مافریان (Maphryānā: Maphrian) سرپرست کلیسا در امپراتوری ساسانی و سرزمین‌های خارج از کنترل امپراتوری روم بودند. مطران یعقوبی سرزمین‌های شرقی (بخش‌هایی که سابقاً در امپراتوری ساسانی قرار داشت) در سده دوازدهم میلادی لقب مافریان گرفت و در تکریت استقرار یافت
(The Cambridge History of Christianity, 5/378; Christian-Muslim Relations...; 3/670)

برای آنها رهبران روحانی تعیین کند. وی نیز اسقفانی را به سیستان، هرات و آذربایجان فرستاد. هر چند که تعدادی از تبعیدیان در ۶۲۹م به ادسا بازگشتند اما بیشتر آنها در شرق باقی ماندند (باسورث، ۲۷).

مسیحیان شهرهای خراسان اغلب از فرقه ملکائی^۱ و نسطوری بودند. در اواخر دوره ساسانی شهر مرو، دو مطران نسطوری و ارتودوکس داشت، هر چند که بیشتر مسیحیان این منطقه پیرو مذهب نسطوری بودند. در میانه سده ششم میلادی، مرو مطران نشین^۲ گردید و مطرانی به نام تئودوروس داشت (همان، ۲۸). مسیحیان مرو به واسطه برخورداری از عنایات برخی از شاهان ساسانی، همواره به خاندان ساسانی ارادت داشتند و این نوع عملکرد به نوعی در تقابل با اهداف فاتحان مسلمان بود. براساس روایتی مشهور مطران نسطوری مرو، پیکر بی‌جان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی را از آبهای رود مرغاب بیرون آورد و در آرامگاهی در باغ خانه‌اش دفن کرد^۳ و اذعان کرد که به واسطه نیکویی‌های فروانی که مادر بزرگ یزدگرد (شیرین) در حق هم‌کیشان وی کرده بود و نیز حرمت یافتن جامعه مسیحی ایران در پادشاهی خسرو دوم اپرویز این خدمت را انجام داده است (طبری، ۲۹۹/۴-۳۰۰؛ ابن اثیر، ۱۲۳/۳؛ اصطخری، ۱۶۲). در زمان ورود سعید بن عثمان بن عفان (والی معاویه) به خراسان، مردم سغد که غالباً مسیحی

۱. فرقه ملکائی (Melkite)؛ یکی از فرق قدیمی مسیحیت، در کنار فرق یعقوبی و نسطوری بود که بیشتر پیروان آن در امپراتوری روم بودند و به سبب اینکه ملک روم بر این مذهب بود به ملکائی معروف شدند. بیشتر پیروان این فرقه در منطقه سوریه فعلی ساکنند. جایگاه مطران ملکائی در مرو، بود (بیرونی، ۳۵۷، ۳۵۹؛ آملی، ۲۶۷/۲؛ Griffith, 1067; Cross, F. I, 11-13; Thomas, David, 41-43, Sidney, 90).

۲. در تقسیمات کلیسای ارتودوکس شرق هر کلیسای خودمختار به چند اسقف‌نشین (مطران‌نشین) و هر مطران‌نشین به چند منطقه کشیشی تقسیم می‌شود. همچنین مطران در سلسله مراتب روحانیت کلیسای ارتودوکس شرق، لقبی است که بالاتر از مرتبه پاتریارک است و وظایف مطران در مناطق و دوره‌های مختلف متفاوت بود (The Oxford Dictionary of the Christian church, 1081).

۳. برخی محققان از جمله کائاتی درستی و اعتبار این روایت را مورد تردید قرار داده‌اند. وی احتمال داده است که در دوره واکنش ایرانیان در دوره خلافت عباسیان و ضعف مسیحیت در ایران، مسیحیانی که به دست مسلمانان افتاده بودند و فرمانگزار آنها شده بودند، بارگاهی را حرمت نهاده بودند، حال عده‌ای از ایران دوستان نیز به ستایش پادشاهان ساسانی پرداختند و در ضمن فتح ایران به دست عربها به‌طور کلی بایستی جوامع مسیحی ایران را از زیر فشار بیرون آورده باشد (445, 451-452/Caetani, VII).

بودند با سعید به مقابله برخاستند، به گونه‌ای که مالک بن ریب مازنی^۱ پس از مقابله مردم سغد با سعید به وی گفت: «تو چنین بودی که در آن روز که مردم سغد بروز کردند همیشه در حال لرز از شدت جبن و ترس ایستاده (متحیر و بیمناک) بودی، نزدیک بود از فرط بیم (نصرانی) مسیحی شوی.» (طبری، ۳۰۶/۵؛ ابن اثیر، ۵۱۲/۳؛ یعقوبی، تاریخ، ۲۳۷/۲؛ بلاذری، انساب، ۲۴۵/۶). براساس اندک روایات موجود می‌توان نتیجه گرفت، که غالب جامعه مسیحی منطقه خراسان که در شهرهای مختلفی چون مرو، سغد و نیشابور پراکنده بودند، رویکردی تعاملی با فاتحان مسلمان نداشتند. اما یکی از دلایل اصلی و مهم تقابل مسیحیان مناطق شرقی ایران با فاتحان عرب را می‌توان عدم اشتراکات قومی و زبانی آنها با عربها دانست، چرا که مسیحیان ساکن در نواحی شرقی به واسطه دوری از مناطق عرب نشین، کم‌تر با عربها ارتباط داشتند. این عدم برقراری ارتباط و افتراقات قومی و زبانی عاملی برای واکنش تقابلی و عدم تسامح مسیحیان با فاتحان مسلمان بود.

درباره حضور مسیحیان در سیستان در دوره ساسانی، اطلاعات محدودی در دست است. از یک اسقف سیستانی به نام «آفرید» نام برده شده است که در شورای دادبشوع در ۴۲۴م شرکت داشت. اطلاعات بیشتری درباره کلیسای سیستان از سال‌های میانی سده پنجم میلادی به دست رسیده است. در مصوبات شورایایی که در ۵۴۴م. تحت سرپرستی مطران مارآبای یکم در تیسفون بر پا گردید، نامه بلندی یافت شده که مارآبا برای روحانیان و مسیحیان سیستان نوشته است. در سیستان و زمینداور، پنج مرکز عمده مسیحی‌نشین وجود داشت: درنگیانا یا زرنگ، فراه، قاش (خواش)، بست و رخد (آراخوسیا یا الرخج). باین‌حال اطلاعات درباره این مسیحیان در دوره اسلامی بسیار ناقص و پراکنده است (باسورث، ۲۹-۳۰). به‌نوشته باسورث (۳۰) تنگناهای اجتماعی و فرهنگی موجب شد که به‌تدریج از شمار مسیحیان شرق کاسته شود. مقدسی (۳۲۳) نیز به قلت تعداد مسیحیان نواحی شرقی ایران اشاره کرده است. در زرنگ در آغاز سده پنجم هجری/ یازدهم میلادی هنوز شماری مسیحی حضور داشتند (تاریخ سیستان،

۱. مالک بن الریب بن حوط بن قرط بن حسل بن ربیع بن کابیه بن حرقوص بن مازن بن مالک بن عمرو ابن تمیم، از جمله ادبا و شعراى اوایل عصر اموی بود. وی اهل بصره بود و در هنگام ولایت سعید بن عثمان بن عفان در خراسان، وی را همراهی می‌کرد. او در ۶۰ ق در نیشابور از دنیا رفت (ابن‌قتیه، ۳۴۱/۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۴۶۴/۲۲؛ یعقوبی، البلدان، ۱۳۰).

۳۵۷). به نظر می‌رسد مسیحیان این منطقه به سبب فشارهای والیان به تدریج به قیامهایی چون خوارج پیوسته باشند (Spuler, 161).

۲-۲. واکنش مسیحیان منطقه فارس به فتوحات

دستگاه تبلیغی مسیحیان در فارس به لحاظ سازمانی واداری از تیسفون پایتخت ساسانیان که مرکز کلیسای نسطوری بود، حمایت می‌شد. مرکز کلیسای نسطوریان در فارس، مطران نشین ریو اردشیر، در کنار رودخانه طاب^۱ بود. در کنار آن، مطران دیگری در گندیشاپور و اسقف‌هایی در شوش و اهواز و شوشتر و چند موضع دیگر حضور داشتند. هنگام غلبه مسلمانان، جمعیت مذهبی نیرومندی با یک دیر مسیحی در شوش وجود داشت و ظاهراً مسیحیان در این منطقه نیز مانند مسیحیان سایر نقاط از سوی مسلمانان، کم‌تر آزار دیدند (Spuler, 198).

ماجرای تقابل و تعارض مسیحیان منطقه فارس با فاتحان مسلمان، متعلق به دوران خلافت حضرت علی - علیه‌السلام - در ۳۹ ق است. حضرت علی به امیر خود، معقل بن قیس فرمان داد تا برای مقابله با خربت بن راشد ناجی (از سران قبیله بنوناجیه و از سرکردگان خوارج)، به منطقه سواحل^۲ جنوبی ایران (فارس) برود. خربت بن راشد برای دوری از مرکز خلافت به همراه تعداد زیادی از بنی‌ناجیه به منطقه فارس گریخته بود و شماری از ایرانیان را گرد خود فراهم آورده در مخالفت با دستگاه خلافت و والیان مسلمان می‌کوشید و مردم را به نپرداختن زکات ترغیب می‌کرد. در میان یاران وی

۱. رودخانه‌ای که نزد جغرافی‌نویسان عرب به طاب موسوم است و اکنون جراحیه، جراحی یا رودخانه کردستان نام دارد. رود طاب از کوهستان جنوب غربی اصفهان نزدیک «برج» مقابل سمیرم که در ولایت اصطخر است، سرچشمه می‌گرفت و از آنجا به ولایت سردن در خوزستان سرازیر می‌شد. این رود چهل فرسخ طول داشت و عرض آن به قدری بود که عبور از آن بسیار مشکل بود. حوالی قسمت علیای طاب، ناحیه بلاد شاپور بود که شهر مهم آن جومه نام داشت و در مرز فارس و خوزستان قرار داشت (مقدسی، ۴۴۵-۴۴۶، ۴۵۶؛ اصطخری، ۸۸، ۱۱۹).

۲. در نامه حضرت علی(ع) به معقل بن قیس، سواحل فارس، ذکر شده است، برخی از منابع تاریخی مانند تاریخ رویان اولیاء الله آملی، الانساب سمعانی و حبیب السیر خواند میر و بالتبع ایران شناسانی چون اشپولر به اشتباه این منطقه را طبرستان دانسته‌اند. بی‌تردید منظور از سواحل فارس، منطقه ولایت فارس در نزدیکی خلیج فارس است (آملی، ۴۸/۱؛ خواند میر، ۲/ ۴۰۴-۴۰۶؛ سمعانی، ۲۰۶/۸؛ مسعودی، ۴۰۸/۲؛ بلاذری، الانساب، ۱۸۲/۳-۱۸۳؛ طبری، ۱۲۴/۵-۱۲۵؛ ولوی، ۱۵۴، Spuler, 201).

تعداد زیادی از مسیحیان حضور داشتند و عده‌ای از آنان نیز مسلمان شده بودند، اما به دین خود بازگشته و ارتداد ورزیدند (مسعودی، ۴۰۸/۲؛ طبری، ۱۲۵/۵-۱۲۴). معقل بن قیس با لشکری از کوفیان و بصریان، جهت مقابله با بنوناجیه به ولایت فارس رفت و به مسیحیانی که مرتد شده بودند، اعلام کرد که به شرط توبه و بازگشت به اسلام، در امان خواهند بود؛ در نتیجه گروهی از مسیحیان اسلام پذیرفتند، اما از میان آنان مردی سالخورده به نام رماجس بن منصور در پاسخ معقل گفت: «به خدا در عمر خویش خطایی نکرده‌ام جز اینکه از دین پاک خویش به دین شما آمدم، نه به خدا تا زنده باشم دین خود را رها نمی‌کنم و به دین شما نزدیک نمی‌شوم». معقل وی را به قتل رساند و حدوداً پانصد تن از مسیحیان این منطقه را به همراه زن و فرزند، به اسارت گرفت تا مایه عبرت اهل ذمه باشند. در مسیر بازگشت به عراق، مصقله بن هبیره شیبانی والی اردشیرخره، به واسطه زاری و تمنای اسرای مذکور، آنها را در قبال هزار درهم خریداری و آزاد کرد (یعقوبی، تاریخ، ۱۹۵/۲؛ طبری، ۱۲۹/۵-۱۲۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۴/۳-۱۴۰). بدین‌سان شورش مسیحیان منطقه فارس که در سایه حمایت‌های خوارج بنوناجیه شکل گرفته بود، سرکوب شد.

درباره واکنش‌های دیگر اقلیت مسیحی ایران به فتوحات در سده نخست هجری اطلاعات زیادی در دست نیست، با این حال به نظر می‌رسد با توجه به سیاست‌های تعصب‌آمیز بیشتر حاکمان و والیان اموی، نارضایی‌هایی در میان مسیحیان ایران ایجاد شده بود که باعث چالش و تقابل غیر مستقیم آنها با فاتحان مسلمان می‌شد.

مسیحیان نواحی داخلی ایران، بیشتر به تقابل با فاتحان مسلمان پرداختند و تقریباً در طول سده نخست هجری هیچ گونه تعاملی با آنها نداشتند. دسته‌ای از این مسیحیان، خود را وام‌دار یا مدیون ساسانیان می‌دانستند و در مواردی نیز خواسته‌های آنان از دین اسلام و مسلمانان برآورده نشد. به‌علاوه میان این مسیحیان و فاتحان مسلمان، به لحاظ قومی، اختلاف وجود داشت. از این‌رو پس از پذیرش اسلام، پشیمان و مرتد شدند و به تقابل با مسلمانان پرداختند.

نتیجه

ورود فاتحان مسلمان به ایران، وضع و موقعیت جامعه مسیحی را که در دو بخش غربی (کوره عراق) و داخلی ایران چون فارس، خراسان و سیستان پراکنده بودند، تغییر داد.

فاتحان مسلمان به پیروی از سیاست‌های تساهل‌آمیز پیامبر اسلام به عنوان اولین حاکم مسلمان، با اقلیت‌های دینی چون زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان، رفتاری مسالمت‌آمیز داشتند. آنها تنها به دریافت جزیه از اهل کتاب بسنده کردند و اجازه دادند به دین خود باقی بمانند. جامعه مسیحی ایران به واسطه اوضاع نابسامان اواخر عصر ساسانی، فاتحان مسلمان را به عنوان جایگزین مناسبی برای آنها می‌دانستند و امیدوار بودند با آمدن عربها، موقعیت بهتری پیدا کنند. به‌ویژه عربهای مسیحی نواحی غربی، که همواره با ساکنان نواحی داخلی ایران در رقابت بودند، برای کسب جایگاهی بهتر، اغلب به تعامل با عربها روی آوردند و گاه برای تسخیر مناطق، عربها را یاری کردند. آنها به واسطه اشتراکات قومی و زبانی با فاتحان عرب، سیاست‌های تسامح‌گرایانه و تعاملی در پیش گرفتند.

در نواحی داخلی ایران اوضاع متفاوت بود، چرا که مسیحیان این مناطق به سبب ارادت به برخی از شاهان ساسانی، مانند خسرو پرویز یا نارضایی از فاتحان مسلمان و نیز عدم اشتراک قومی و زبانی با فاتحان مسلمان، رویکردی تقابلی در پیش گرفتند. به‌گونه‌ای که گاه پس از اسلام آوردن نیز مرتد می‌شدند و به مسیحیت بازمی‌گشتند.

منابع

- آذری، علاء‌الدین، *روابط ایران با دربار واتیکان تا اول عصر صفوی*، رساله دکتری، به‌راهنمایی خانبابا بیانی، دفاع شده در ۱۳۴۷ش، دانشگاه تهران.
- آملی، اولیاء‌الله، *تاریخ رویان*، چاپ منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ش.
- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود، *نفائس الفنون فی عرائس العیون*، چاپ ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱ش.
- ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۳۷۸ق/۱۳۸۳ش.
- ابن اثیر، عز‌الدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵م.
- ابن حمدون، محمد بن حسن بن محمد بن علی، *التذکره الحمدونیه*، چاپ احسان عباس و بسکر عباس، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۶م.
- ابن سعد، *الطبقات الکبری*، چاپ محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *الشعر و الشعراء*، چاپ احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۲۳ق.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد، *مسالك الممالک*، چاپ احمد بن سهل ابو زید، بیروت: دار صادر، ۱۹۲۷م.

- اسمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور، *الانساب سمعانی*، چاپ عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲.ق/۱۹۶۲.م.
- عوتبی الصحاری، ابوالمنذر سلمه بن مسلم، *الأنساب صحاری*، چاپ محمد احسان نص، عمان: مطبعه الالوان الحدیثه، ۲۰۰۶.م.
- اولیری، دلیسی، *انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- باسورث، کلیفورد ادموند، *تاریخ سیستان؛ از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان*، ترجمه حسن انوشه، تهران، سپهر، ۱۳۷۰.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *جمل من انساب الاشراف*، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۶.م/۱۴۱۷.ق.
- همو، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.م.
- بویل، جی.آ، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- بیرونی، ابوریحان، *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، چاپ پرویز ادکایی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۰.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا، *عربها حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم - ششم میلادی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: مؤسسه اطلاعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- پیگولوسکایا، ن. و، *یاکوبوسکی، آیو، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۳.
- تاریخ سیستان*، چاپ محمدتقی بهار، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶.
- چلونگر، محمدعلی، سلیمانی، مریم، «بررسی جایگاه قبایل عرب مسیحی ایران در روند فتوحات مسلمانان در عراق»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، شماره ۳۲، ۴۱-۶۸، سال هشتم، زمستان ۸۶.
- حمیدی، جعفر، *تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- حمید الله، محمد، *الوثائق السیاسیه للعهد النبوی و الخلفه الراشده*، بیروت: دارالنفائس، ۱۹۸۵.م/۱۴۰۵.ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۴۱۷.ق.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، *تاریخ حبیب السیر*، تهران: خیام، ۱۳۸۰.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- شریف مرتضی، علی بن الحسین الموسوی، *امالی المرتضی؛ غرر الفوائد و درر القلائد*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۸.م.
- طباطبایی، محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۹۶۷م.
- جواد علی، *المفصل فی تاریخ قبل الاسلام*، بغداد: جامعه البغداد، ۱۹۹۳م/۱۴۱۳ق.
- احمد محمد عیسی، «مخطوطات و وثائق دیر سانت کاترین بشبه جزیره سیناء»، *المجله التاريخیه المصریه*، ۵، ۱۰۵-۱۲۴، ۱۹۶۵م.
- فرای، ریچارد، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- ابن اعثم، احمد، *الفتوح*، چاپ تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء، ۱۹۹۱/۱۴۱۱ق.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، چاپ اسعد داغر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- میلر، و.م، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، به اهتمام آرین پور، تهران: انتشارات حیات ابدی، ۱۳۶۰.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.
- نفیسی، سعید، *مسیحیت در ایران تا صدر اسلام*، به اهتمام عبدالکریم جریده دار، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
- ولوی، علی محمد، برومند، صفورا، «بنوناجیه و طبرستان: روایتی از یک تناقض تاریخی»، *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ش ۷۱، ۱۴۷-۱۵۹، سال ۱۷، بهار ۱۳۸۷.
- یاقوت حموی، *معجم الادباء*، چاپ احسان عباس، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۳م.
- همو، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
- یانگ، کایلر و گیرشمن، رومان، *ایران باستان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، ۱۳۸۵.
- یعقوبی، *البلدان*، چاپ محمد امین ضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- همو، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، بی تا.
- Arnold, Thomas Walker, *The Preaching of Islam; A History of the Propagation of the Muslim Faith*, London: Constable & Company Ltd., 1913.
- Atiya, Aziz S., "The Monastery of St. Catherine and the Mount Sinai Expedition", Philadelphia, *Proceedings of the American Philosophical society*, Vol. 96, No. 5, 578-586, (Oct. 15, 1952).
- Caetani, Leone, *Annali Dell' Islam*, vol.VII, Milano: Ulrico Hoepli, 1914.
- Christian-Muslim Relations; Abibliographical History*, Vol 3(1050-1200), edited by David Thomas and Alex Mallett, leiden: Brill, 2011.
- Cross, F.I, Livingstone, E.A, *Oxford Dictionary of the Christian Church*, Oxford: Oxford University Press, 1997.

- Donner, McGrave Fred, *The Early Islamic Conquests*, Princeton: Princeton University Press, 1981.
- E.Porter, Stanley, *Constantine Tischendorf; The Life and Work of a 19th Century Bible Hunter*, London: Bloomsbury Publishing, 2015.
- Griffith, Sidney, *The Church in the Shadow of the Mosqu; Christians and Muslims in the World of Islam* Princeton: Princeton University Press, 2008.
- Ludolph von Suchem, *Description of the Holy Land*, translated by Aubrey Stewart, London: PPTS, 1895.
- McGuckin, John Anthony, *The Orthodox church; An Introduction to Its History, Doctrine, and Spiritual Culture*, Oxford: Black Well Publishing, 2008.
- Meyendorff, John, *The Orthodox Church; Its Past and Its Role in the World today*, Crestwood NY: St Vladimir's Seminary Press, 1996.
- Noble, Samuel, Treiger, Alexander, *The Orthodox Church in the Arab world 700-1700 (An Anthology of Sources)*, Illinois: Northern Illinois University Press, 2014.
- Parker, Kenneth Scott, *The Indigenous Christians of the Arabic Middle East in an Age of Crusaders, Mongols, and Mamlūks (1244-1366)*, Thesis Submitted for the Doctorate of Philosophy under the Supervision of Professor Jonathan Harris, Royal Holloway College, University of London, September 2012.
- Rassam, Soha, *Christianity in Iraq; Its Origins and Developments to the Present Day*, Herefordshire: Gracewing Publishing, 2005.
- Spuler, Bertold, *Iran in the Early Islamic Period; Politics, Culture, Administration and Public life Between the Arab and the Seljuk Conquests (Iran studies. Vol.12)*, Edited by Robert G.Hoyland, Translated by Gwendolin Golldbloom & Berenike Walburg, Leiden: Brill, 2015.
- The Cambridge History of Christianity*, Vol 5 (Eastern Christianity), edited by Michael Angold, Cambridge: Cambridge University Press, 2008.
- The Oxford Dictionary of the Christian church*, edited by F.L.Cross & E.A. Livingstone, Oxford: Oxford University Press, 1997.
- Thomas, David, *Syrian Christian under Islam; The First Thousand Years*, Leiden: Brill, 2001.
- Trimingham, John Spencer, *Christianity among the Arabs in Pre-Islamic Times*, Beirut: Librairie du Liban, 1979.
- Van Gorder, A. Christian, *Christianity in Persia and The Status of Non-Moslem in Iran*, Maryland (Lanham): Lexington Books Publishing, 2010.
- Waterfield, Robin. E, *Christians in Persia*, London: George Allen & Unwin, 1973.